

جایگاه وزرای عصر مسلمانی ایلخانان در آبادانی حیات شهری

محمد عارف نیا

گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

سید ابوالفضل رضوی^۱

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

ناصر جدیدی

گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۰۳

چکیده

پس از یک دوره تلاش برای مهار رفتار مغولان و بومی کردن قوم غالب از سوی دولتمردان ایرانی، وزیران عهد ایلخانان با تشویق ایلخانان مسلمان به ایجاد اصلاحات گسترده، زمینه‌های شکوفایی نسبی اقتصاد و حیات شهری را هموار نمودند. نوشتار حاضر با طرح این سوال که بازخوانی اندیشه‌های ایرانشهری در رویکرد آباد گرایانه وزیران عهد مسلمانی ایلخانان چه جایگاهی داشته است؟ بر این باور است که آگاهی به اهمیت امنیت و عدالت، هم‌نوایی مناسبات جامعه و حکومت، ضرورت اعتنای حکام به معیشت رعایا و اهتمام به عمران شهری و سازندگی، آنان را به ترغیب دستگاه ایلخانان به انجام اصلاحات گسترده در عهد مسلمانی واداشته است. بنابراین، وزرای ایرانی در این عصر با ایجاد تحول در حوزه ی اقتصاد و اجتماع، دریچه ای به سوی کارآفرینی گشودند تا ساختار جامعه عصر ایلخانی را ماهیت نظام مندی ببخشند.

واژگان کلیدی: شهر و شهرسازی، وزارت، ایلخانان، اقتصاد شهری، عدالت و امنیت

مقدمه

در عصر مسلمانی ایلخانان، فعالیت‌های کارآمدی در عرصه‌های معماری و شهرسازی معمول گردید که بخش اعظم آن توسط وزرای ایندوره صورت گرفت. اصلاحات منسوب به غازان را می‌توان تلاشی مبتنی بر بازخوانی کارآمد سنن و اندیشه‌های دیرپای حکومت داری ایرانی دانست که به همت نخبگان ایرانی و زعامت وزیر رشیدالدین فضل الله همدانی انجام شد. در پی آن تاج الدین علیشاه گیلانی با ساختن بازار، مساجد و مدارس و ایجاد کارخانجات پارچه بافی به رونق حیات شهری این دوره کمک زیادی نمود. رعیت پروری و ضرورت بازسازی زیر ساخت‌های اقتصاد کشاورزی و تجاری در قالب سامان دهی به امور مالی، تأمین امنیت راه‌ها و حفظ خطوط مواصلاتی، اهتمام به مراکز شهری و روستایی، جلوگیری از تعدی امرا و اشرافیت گریز از مرکز مغولی، ضرورت تحدید مبانی حقوقی و قضایی و توجه به اعتقادات و سنن دینی رعایا از جمله رفت و آمد کاروان‌های حج و در کل تلاش برای تأمین امنیت و ثبات در جامعه نشان می‌دهد که کارگزاران ایرانی دستگاه ایلخانی، راهبرد و برنامه مشخصی در جهت اصلاح ساختار حکومت ایلخانان و سازمان‌های حکومتی آن داشته‌اند. چنین راهبردی رهاورد خوانش واقع‌گرایانه‌ی اندیشه‌های ایرانی‌شهری در پرتو ملاحظات این عصر، در جهت همواری مناسبات جامعه، حکومت و اقتصاد با هدف آبادگری و تأمین امنیت و ثبات بود. در همین جهت نوشتار حاضر با در نظر داشتن جایگاه عدل و امنیت در اندیشه‌های ایرانی‌شهری و به ویژه سهم آن در بسامانی اقتصادی سیاسی، تأثیرگذاری آن را در رویکرد آبادگرایانه وزرای این عهد در عمران و آبادی شهری نشان می‌دهد.

درباره نهاد وزارت و جایگاه و کارکرد وی در عصر مسلمانی ایلخانان پژوهش‌های زیادی انجام شده است (برای نمونه: رجب زاده، ۱۳۷۷؛ رضوی، ۱۳۸۸؛ اللهیاری، ۱۳۸۲؛ بحرانی، ۱۳۸۵) اما اهتمام وزراء به شهر و شهرسازی با هدف تقویت مبانی مدنی و تمدنی، مساله‌ای که امروزه نیز مبتلابه جامعه ایرانی است، پژوهش مستقل و روشمندی انجام نشده است. در همین جهت نوشتار حاضر با رویکرد تبیینی - تفسیری به عنوان روش تحقیقی کارآمد در مطالعات تاریخی، افق‌های تازه‌ای را مورد گشایش قرار می‌دهد تا پژوهشگران علوم انسانی به این وجه از کارکردهای نهاد وزارت در رونق شهر و شهرسازی توجه دیگری داشته باشند و کارگزاران و دولتمردان امروزی در جهت تقویت بنیه‌های شهری و مدنی موثر، به مبانی نظری موجود در اندیشه ایرانی‌شهری و بخصوص عدل و امنیت به عنوان پارادایمی بومی اهتمام ورزند.

عهد مسلمانی ایلخانان و مهار گرایش‌های گریز از مرکز

پس از تهاجم مغولان و در ادامه از عصر هولاکو تا بایدو عملکرد ایلخانان بر ماهیت و رویکرد نظامی استوار بود. آنان هوادار حیات صحراگردی و مخالف زندگی اسکان یافته و شهرنشینی بودند. این رویکرد نظامی و برتری قائل شدن برای سران نظامی از مؤلفه‌های زندگی خانه به دوشی و ملاحظات محیطی مربوط به آن ناشی می‌شد و ایلخانان آن را از نگرش کلی حاکم بر امپراطوری مغولان به ارث برده بودند. لذا به طور طبیعی آسان‌ترین راه ممکن در زمینه معیشت در میان مغولان و صحرائشینان متکی بر غارت و اقتصاد غنیمتی بود.

حضور فعال اشرافیت ایلی زمینه را برای غارتگری توسط ایلات فراهم می نمود چرا که در نظر این اشرافیت ایلی، جنگ دائم، جنگی که با خود فتح و منفعت را به همراه داشت، فعالیت تولیدی محسوب می شد که هر گونه کارکرد سیاسی بر اساس آن تنظیم می شد (رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۵۴-۳۶۴؛ پطروشفسکی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۶۲؛ ولادیمیر تسف، ۱۳۶۵: ۶۸-۶۹). بزرگان مغول کماکان گله‌های نسبتاً فراوانی داشتند که هر سال ییلاق و قشلاق می کردند. یغماگری گله داران پیوسته مایه نگرانی مردم ده نشین بود که در مجاورت چراگاه‌ها به سر می بردند (لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۶۷). چرا که آن‌ها به کشت و زرع علاقه ای نداشتند و زمین را تنها برای چرای چارپایان و دام‌های خود می خواستند و این وضعیت موقعیت روستاییان را تضعیف کرده بود (ساندرز، ۱۳۶۳: ۱۲۷؛ لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۶۷-۱۶۸). به موجب یکی از فرامین غازان، رعایای سراسر مملکت به حدی آزرده و سرخورده و مرعوب شده بودند که اگر مگسی قادر می بود چیزی از رعیت بگیرد، او حتی در مقابل مگس نیز قدرت مقاومت نداشت (همان: ۸۳). ورود ایلچی‌ها به خانه‌های رعایا قبل از شکل گیری ایلچی خانه‌ها باعث غارت و در گاهی اوقات تجاوز به خانواده‌های روستایی می شد و مجموعه این عوامل همه و همه سبب مهاجرت روستاییان گردید (رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۱۱۱). این شیوه معاش یعنی دامپروری در نگاه اقتصادی و جنگ و غارت در نگاه سیاسی، مغایر با اصول یکجانشینی و معیشت کشاورزی و تجاری ایرانیان بود و نمی توانست پاسخگوی تمامی نیازهای آن‌ها باشد. این شیوه معیشت و گرایش سیاسی مربوط به آن به لحاظ سیاسی، اقتصادی و حقوقی پیامدهای منفی فراوانی داشت. از لحاظ سیاسی و اجتماعی، دشمن زندگی شهرنشینی و اسکان یافته، خصم کشاورزی، صنعت و بازرگانی بود و بهره کشی نامحدود و بی قاعده از مردم را طلب می کرد؛ به لحاظ اقتصادی زندگی به شکل ایلی و خانه به دوشی، که مستلزم ییلاق و قشلاق در مناطق کوهستانی و جلگه ای ایران بود، به ویرانی مزارع و مراتع و ناامنی و بی ثباتی راه‌ها منجر می شد و از لحاظ حقوقی با عمل به یاسا، در عمل، سنن متقدم قبیله ای را در جامعه ای متمدن تر به کار می گرفتند که در نوع خود بی سابقه و تحمل ناپذیر می نمود. این تضاد، به علاوه مشکلاتی که در عرصه سیاست خارجی گریبانگیر ایلخانان بود، آن‌ها را مجبور نمود که شیوه مسالمت آمیزی را در پیش گیرند و صرفاً به شیوه غالب مغول بسنده نمایند. بنابراین، ایلخانان به علت حفظ موجودیت سیاسی و اقتصادی خودشان مجبور شدند تا سنن ایرانی و اجرایی ایرانیان را بپذیرند (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). در طی پادشاهی غازان که از سال (۷۰۳-۶۹۴ ه.ق) به طول انجامید گرایش به تمرکز قدرت در ایلخانان غالب گردید و نقش نهاد وزارت پررنگتر گردید. در این میان، رشیدالدین وزیر مشهور غازان، یکی از برجسته ترین نمایندگان و اندیشه پردازان این نظریه بود. دقت در محتوای مطالب مکاتبات رشیدی و شرح اصلاحات غازانی در پایان جامع التواریخ تردیدی باقی نمی گذارد که وزیر مبتکر غازان بانی و محرک اصلاحات و مشوق برقراری امنیت و تضعیف نابسامانی و بی ثباتی بوده است (ر.ک: رشیدالدین، جامع التواریخ و مکاتبات).

رشیدالدین در جهت مهار گروه‌های مرکز گریز و قدرتمند ساختن دولت مرکزی، خوانین مغول را با سران فئودال مسلمان (ایرانی، تاجیک و غیره) نزدیک ساخت تا سنن دولتمداری ایرانی را بپذیرند. اساس پیشین مالیاتی و خراج کشاورزی را احیا نمود تا بار مالیات روستاییان را کمتر نماید. وی از ایشان در برابر فشار ستم سران نظامی و صحرانشین ترک و مغول دفاع کرده و در اداره مالیات عناصر صالح را به کار گمارد (رنه گروسه، ۱۳۷۹: ۶۲۳). وی

عنوان می‌کرد که عاملان (کارمندان مالیه) را باید از میان اشخاص سیر و ثروتمند برگزید تا چشم طمع به مال رعایا نداشته باشند (رشیدالدین، ۱۹۴۵: ۱۱۸).

رشیدالدین در جهت حمایت از مردمان اسکان یافته و تحدید تمایلات گریز از مرکز ایلخانان از تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی مبتنی بر زراعت و باغداری به مرتع و پهنه‌های عظیم غیرمسکون که از عوامل عقب ماندگی اقتصادی کشور در این دوره بوده است به شدت جلوگیری نمود (پطروشفسکی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۷۰-۷۳؛ رنه گروسه، ۱۳۷۹: ۶۲۳-۶۲۴). او در مقابل جریان غالب ایلی برای حمایت از توسعه کشتزارها، ترغیب مردم روستاها به زراعت و گسترش شیوه‌های آبیاری از جمله حفر کاریزها، جوی‌ها و انهار تلاش گسترده‌ای نمود (همان: ۸۹). به نظر می‌رسد وی سعی داشت از یک سو بر قدرت دولت مرکزی بیفزاید و از سوی دیگر به همان میزان از قدرت نیروهای گریز از مرکز در ولایات بکاهد.

اندیشه آبادگرایی وزارت و شکوفایی حیات شهری و روستایی

خواجه رشیدالدین خود برای جلب حمایت مردمی به ساخت اماکن عمومی در سطح وسیع توجه داشت. وی در نامه‌های خود به والیان نقاط مختلف، بر این امر تأکید داشت (رشیدالدین، ۱۹۴۵: مکتوب ۲۱: ۸۸). او از والی بصره درخواست نمود تا علاوه بر دارالحدیث و دارالمسافرین، یک بیمارستان در محله شوکه بسازد (همان، مکتوب ۶: ۱۲-۱۴). او هم چنین به نوسازی بیمارستان دروازه سلم شیراز که از ساخته‌های اتابکان فارس بود و به سبب نبود پزشک و توجه لازم رو به تخریب نهاده بود، دستور داد تا پزشکانی به آن جا بفرستند (همان، مکتوب ۴۱: ۲۵۳-۲۵۵). تأکید ایشان به بازسازی پل‌ها و بندرگاه‌ها نیز مشهود است. پل‌های شهردزفول از جمله بناهایی است که خواجه رشید دستور به بازسازی آنها داد (همان: مکتوب ۳۳: ۱۷۸). در وقف نامه ربع رشیدی که یکی از تألیفات برجسته خواجه رشیدالدین فضل الله است خواجه از دو باغ اصلی شهرستان رشیدی یعنی باغ فتح آباد و باغ رشیدآباد در ردیف باغات وقفی ابواب البر نام برده است (رشیدالدین، ۱۳۵۶: ۱۵۳). منطقه فتح آباد تا پیش از برنامه عمرانی خواجه رشیدالدین فضل الله، بایر، خشک و عاری از هر نوع زراعت بوده تا اینکه در اثر توجه خواجه قدم در عرصه آبادانی نهاد (القاشانی، ۱۳۸۴: ۱۱۶-۱۱۷). احیای منطقه فتح آباد به کمک سپید رأس گاو قوی هیکل همرا با برزگران و زارعان پرکاری که رشیدالدین از کویر مرکزی ایران آورد، انجام شد (افشار، ۱۳۵۰: ۲۵). این اراضی و باغ‌های نوآباد و جدیدالتأسیس که خالی از سکنه و جماعت روستایی بودند به غلامانی که از سرزمین خود دور افتاده بودند واگذار نمود تا امور باغبانی، زراعت و عمارت آن را انجام دهند و برای جلوگیری از جابجایی غلامان و کنیزکان این برزگران نورسیده را طی امتیازاتی که به آنها می‌بخشید، وقف عمران فتح آباد و رشیدآباد نمود (رشیدالدین، ۱۹۴۵: ۱۹۴؛ رشیدالدین، ۱۳۵۶: ۱۵۰). آگاهی رشیدالدین از مناطقی که قابلیت کشاورزی و ساخت روستا را داشت از ابعاد دیگر توجه خواجه به موضوع کشاورزی بود. در کتاب مکاتبات رشیدی طرح اولیه ی نهر به همراه نام روستاهای آن ذکر شده است. نیروی انسانی مورد نیاز برای کندن این نهر بیست هزار نفر بود و مزد آنان روزانه پرداخت می‌شد. ایشان فردی به نام زکی الدین مسعود را به دیار بکر، اراضی پرباران شمال عراق، فرستاد تا در حدود موصل نهری بکند و در دو طرف نهر چهارده روستای محوط احداث کند و رعایا را برای سکونت در آن جا از مناطق مختلف گرد آورد (همان: ۲۲۴-۲۲۵).

در ناحیه ملطیه از توابع روم که امروز در کشور ترکیه واقع است، نیز دستور کندن نهری را داد که از فرات منشعب می‌شد و در کنار آن ده روستای معتبر بنا می‌شد و رعایا و کشاورزانی از سایر بلاد برای سکونت در آن جا جمع آوری می‌شدند. در طرح و نقشه نهر که در مکاتبات رشیدی باقی مانده، محل قرار گرفتن روستاها به طوری که هشت روستا در قسمت بالایی نهر و دو روستا در قسمت پایین نهر باشد، مشخص شده است (همان: ۲۴۶-۲۴۷). در خوزستان نیز دستور ساختن روستایی کوچک را داد که کشاورزان نخل کار در آن جا سکونت می‌گزیدند (همان: ۱۸۲). خواجه رشید در کنار ربع رشیدی نیز باغ وسیعی احداث نمود و در میان آن پنج روستا بنا کرد که در هر یک غلامانی از یک مملکت ساکن کرده بودند (پطروشفسکی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۱۵۱؛ رجب زاده، ۱۳۷۷: ۳۸۱). از ابعاد دیگر توجه خواجه به کشاورزی تأمین منابع آب بود. ساخت روستاها در کنار دجله و استفاده از کانال‌های آبیاری از جمله دیار بکر، دیار ربیع، ارمیه کبری و صغری و روم نیز از ابتکارات خواجه رشید بوده است (رشیدالدین، ۱۹۴۵: ۲۴۵). در خوزستان نیز دستور ساختن بندی داده بود تا از آب آن برای کشاورزی استفاده شود (همان: ۱۷۹). کندن نهر و جاری کردن قنات از دیگر برنامه‌های اصلاحی در جهت احیای کشاورزی بود (همان: ۸۴؛ رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹۹۳-۹۹۴). وی برای احیای کشاورزی به الیان و کارگزاران توصیه می‌کرد بذر و نهال گیاهان مختلف را از سرزمین‌های گوناگون به اندازه‌ی کافی خریداری نموده و در اختیار کشاورزان قرار دهند تا کشاورزان با خاطری آسوده به آبادانی و زراعت پردازند (رشیدالدین، ۱۹۴۵: ۱۸۱-۱۸۲). او به والی خوزستان دستور داده تا پنج هزار اصله نخل خرماي خستویی از هویزه تهیه نمایند و در زمین‌های ولایت دستاباد بکارند و برای کشت این درختان و آبیاری و حفاظت آن‌ها ده نفر کشاورز کاردان از هویزه بیاورند (همان: ۱۸۲).

جنبش مدرسه سازی در عصر ایلخانان، فصلی درخشان در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران بوده است. ربع رشیدی مجموعه بزرگ و بی نظیری بود که در اواخر قرن هفتم هجری یا اوایل قرن هشتم به امر خواجه رشیدالدین فضل الله در تبریز تأسیس شد. این مجموعه دارای مدارس، دارالشفاء، دارالسیاده، مساجد، خانقاه، کتابخانه، رصدخانه و حجرات بسیار برای طلاب علوم بود و موقوفات بسیاری نیز برای اداره آن معین گردید (رشیدالدین، ۱۹۴۵: ۳۱۹-۳۱۷). در شب‌غازان نیز مراکز علمی که نقش مهمی در آموزش فرهنگ، علوم دینی و حکمت ایفا می‌نمود ساخته شد. «و در هر یک از مدرسه شافعیه، حنفیه، مدرسان و معیدان و طلبه و خادمان... و در رصدخانه، مدرسی که درس علوم حکمی تواند گفت و معید و طلبه و فراش و در دارالشفاء، طبیب و کحال و جراح و بیمار دار و در بیت الکتب، خازن و فراش و در بیت القانون کاتب...» (خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۸۸-۱۸۷). غازان نیز مانند خواجه رشیدالدین، موقوفات بی شماری را برای این مجموعه در نظر گرفته بود (همان: ۱۸۸؛ رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹۹۴-۹۹۷). یکی از کارکردهای رفیع و بزرگ نهاد وزارت در عهد مسلمانی مدرسه سیاره است که خیمه‌ای بسیار وسیع بود. گروهی از علما و فضلا در آن به تدریس اشتغال دارند و مبدع آن وزرای بزرگی چون رشیدالدین و تاج‌الدین علیشاه بودند (وصاف الحضرة، ۱۳۸۳: ۲۸۰). به نظر می‌رسد این مدرسه به منظور تعلیم عشایر و قبایل طرح ریزی شده است. مغولان در هجوم خود به بسیاری از شهرها از کشتار و غارت هنرمندان، صنعتگران، صاحبان صنایع و علما خودداری می‌نمودند (کسای، ۱۳۷۹، ج ۲: ۹۹۱). ظن قوی این است که همین امر یکی از عوامل اساسی تداوم فرهنگ و ملیت ایرانی باشد و در پس آن مراکز بزرگ علمی تمدنی مانند ربع رشیدی، شب‌غازانی و مجتمع

سلطانیه با آن همه پشتوانه‌های عظیم مالی و برنامه‌های وسیع علمی و تحقیقاتی که حاصل فکر و اندیشه وزیران و دیوانسالاران ایرانی بود شکل گرفت. مدرسه ی دیگر تبریز «غیاثیه» نام داشت که به اندازه مدارس فوق اهمیت نداشت. این مدرسه را وزیر ابوسعید غیاث الدین محمد فرزند رشیدالدین «در کمال ترفع و وسعت و نهایت تکلف و زینت بنا فرمود... مزارع خوب و مستغلات مرغوب بر آن وقف نمود» (خواند میر، ۲۵۳۵: ۳۲۲-۳۲۱). وی هم چنین در شب‌های جمعه با حضور علما و فضلا جلسه مباحثه علمی راه می‌انداخت (همان: ۳۲۷). از جمله مدارس دیگر مدرسه رشیدیه یزد بود که به خواجه رشیدالدین منتسب بود که مانند مدارس دیگر موقوفاتی دارد از جمله بازار کاغذیان در جنب مدرسه واقع بود (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۲۱). مدرسه شمسیه (چهار منار) در یزد توسط شمس الدین داماد رشیدالدین که جهت جانمایی و پلان و نقشه آن با نظر خودش در تبریز اقدام گردید و دو مدرسه در مقابل همدیگر با چهار منار در اطراف هر دو مدرسه ساخته شد و پس از وفات ایشان در سال ۷۳۳ هجری جنازه او را به یزد آوردند و در مدرسه دفن نمودند (جعفری: ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۰). به نظر می‌رسد نزدیکی ایشان به خواجه در جهت ساخت مراکز آموزشی و تمدنی تأثیر داشته هر چند خود وی و پدرش سید رکن الدین قاضی (بانی مدرسه رکنیه) موقوفاتی در این زمینه‌ها داشته اند. ظاهراً پذیرش ایلی مغولان در جلوگیری از تخریب بنیان‌های تمدنی و فرهنگی، علم دوستی و علاقه مندی به مدرسه سازی، آبادانی و عمران شهری در شهرهای آذربایجان، یزد و فارس اهمیت داشت و تداوم ساخت سازه‌های فرهنگی ریشه در همین جریان دارد. ابن بطوطه از وجود مدرسه مجدیه، تاش خاتون، مدرسه بقعه شیخ ابوعبدالله خفیف، مدرسه بقعه شمس الدین سمنانی در شیراز یاد کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۶۶، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۵۱). از جمله مدارس دیگری که خواجه رشیدالدین در ساخت آن نقش داشت مدرسه ارزنجان است و در مکتوبی متولی و مدرس این مدرسه را به مولانا شمس الدین محمد قونیایی واگذار کرده تا به تدریس فقه، حدیث، تفسیر، اصولین، علم کلام و انواع علوم عقلی بپردازد (رشیدالدین، ۱۹۴۵، مکتوب ۳۶: ۱۷۲). وزیر دیگر ایلخانان تاج‌الدین علیشاه بود که نقش مهمی در کشاورزی و عمران شهری ایفا نمود. ایشان در شیوه ساخت سلطانیه همانند سایر شهرهای ایلخانی ابتدا قلعه، خوابگاه و تأسیسات چندی نظیر باغ و قصری در مرکز شهر بنا کرد و سپس از اطراف زمینی را که برای ساخت شهر در نظر گرفته و بارو کشید. سپس امراء و بزرگان دولت دستور یافته اند که هر کدام در داخل حصار عماراتی را بسازند. این شیوه علت عمده نافرجامی و ناهمگونی شهر سلطانیه و دیگر شهرهای جدید دوره ایلخانی است. یکی از افرادی که بیشترین عمارات را در سلطانیه ساخت تاج‌الدین علیشاه جیلانی است. وسعت عمارات ساخته شده توسط وی در سلطانیه به قدری بود که برخی تصور کرده اند وی مسوولیت اصلی ساخت شهر را به عهده داشته است (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۴۵). از جمله این عمارات یکی بازاری بسیار عالی به نام بازار بزازان بود (همان جا). این بازار بنا به گفته کاشانی «کم خرج و بسیار دخل» بود و از سنگ و آجر پخته ساخته شده و در مقایسه با تمامی عماراتی که در بغداد، تبریز و شام ساخته شده بود در علو رفعت قرار داشت (القاشانی، ۱۳۸۴: ۱۲۲). قبل از آن نیز لیاقت خود را در کارخانه فردوس بغداد نشان داد که باعث رونق این کارخانه پارچه بافی گردیده بود (همان: ۱۲۲-۱۲۱). علاوه بر این خواجه علیشاه کاخی به نام «بهشت» نزدیک قلعه سلطانیه ساخته بود که بسیار زیبا و باشکوه بود (همان: ۱۷۸). علاوه بر این‌ها علیشاه کارخانه بزرگی در سلطانیه ایجاد کرد که خود وی مدتی عهده دار اداره امور آن بود (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۷). علیشاه

در کار آبادانی و برافراشتن بناهای عالی در تبریز و سلطانیه که خوشامد الجایتو بود سخت می‌کوشید. وی کارخانه نساجی بزرگی در تبریز، به نام فردوس، که چهار هزار نفر صنعتگر را با اهل و خانه از بغداد به آن جا کوچ داد، ایجاد نمود. (وصاف: ۱۳۸۳: ۲۸۰-۲۷۹). در تبریز نیز مسجدی بزرگ و عالی ساخت که بقایای آن به نام مسجد علیشاه هنوز پابرجاست (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۱۶۱).

خواجه رشیدالدین فضل‌الله دیگر وزیر الجایتو و رقیب علیشاه جیلانی نیز در سلطانیه عماراتی را بر آورده است و از آن جمله محله ای به نام رشیدیه بود. حافظ ابرو این محله را مشاهده نموده و این گونه توصیف می‌نماید: «در آن جا قریب هزار خانه بوده و عماراتی عالی و دو مناره بزرگ بر دو طرف ایوان آن و در آن عمارت مدرسه، دارالشفا و خانقاه هر یک با موقوفات بسیار قرار داشت» (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۸). علاوه بر این الجایتو بنیاد موقوفاتی در سلطانیه احداث نموده و مسوولیت آن را به رشیدالدین فضل‌الله واگذار نموده است. گرچه با مرگ الجایتو حصار بیرونی شهر و تأسیسات آن نیمه کاره رها گردید و امرا و بزرگان نیز از جدیت خود در ساخت آن کاستند و بنای شهر سلطانیه هیچ گاه کامل نگردید (القاشانی، ۱۳۸۴: ۲۲۵). علی رغم کامل نشدن شهر مستوفی پس از تبریز آن را از زیباترین و بهترین شهرهای ایران از جهت زیبایی و عظمت می‌داند (مستوفی، ۱۳۸۱: ۹۷).

در این دوره فعالیت‌های عمرانی فقط به شخص ایلخان محدود نمی‌شد بلکه وزراء، امرا، خواتین و اعیان دولت مغول نیز در شهرسازی و فعالیت‌های عمرانی دست اندر کار بودند، گویا این امر تا اندازه ای نیز بر اثر اجبار و بر اساس دستورالعمل رسمی و حکومتی صورت می‌گرفت. رشیدالدین از یرلیغی که غازان برای شرکت وکلای دیوان در امر احیا و عمران داده، سخن گفته است: «آن چه فرموده تا به موجب حکم یرلیغ شرط نامه به شرکت وکلای دیوان خالصات احیاء و عمارت کنند آن را نهایت نیست و در عهد مبارک او به واسطه عدل شاملش هزاران هزار آدمی به مشارکت ایشان به عمارت مشغول اند» (رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹۹۴). دخالت اعیان دولت در امر شهرسازی همیشه اجباری و یا با انگیزه‌های اداری و سیاسی نبود. انگیزه‌های اسلامی و آخرت گرایانه پس از پذیرش اسلام توسط مغولان در فعالیت‌های عمرانی و شهرسازی در ساختن اماکن مذهبی و عام المنفعه نظیر مسجد، خانقاه، دارالسیاده و موقوفاتی از این دست وجود داشت. هم چنین بولغان، خاتون خراسان دختر امیر تسو که در صفر ۷۰۸ ه.ق وفات یافت، در کنار بغداد شهری ساخته و خراسان نام نهاد. آن را با خانقاهی ساختند و بر آینده و رونده وقف کردند و تولیت آن به خواجه رشیدالدین سپردند (القاشانی، ۱۳۸۴: ۸۲).

عرق وطن دوستی مشاوران ایرانی که در رأس آن وزیرانی چون خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و تاج‌الدین علیشاه جیلانی از همه ممتازتر بودند در تحریک ایلخانان به اتخاذ سیاست شهرگرایی، فعالیت‌های عمرانی و شهرسازی مؤثر واقع شد. از همین رو بسیاری رشیدالدین را معمار اصلاحات در دربار غازان می‌دانند. علاوه بر ساخت مجموعه معروف ربع رشیدی بانی سازه‌های معروف دیگری در زمینه مذهبی، اقتصادی، آموزشی و عمرانی در شهرهای ایران می‌باشد از جمله ساخت شهرستان رشیدی تبریز و محله رشیدیه در سلطانیه حائز اهمیت است (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۸). اقدام در خور تحسین دیگر وی تأمین آب تبریز است که در میان سایر اقدامات وی بسیار برجسته است، هر چند اقدامات فراوانی در زمینه فعالیت‌های عمرانی داشته است (القاشانی، ۱۳۸۴: ۱۱۶). غیاث

الدین محمد رشیدی نیز نقش مهمی در کشاورزی و رونق کشت و زرع ایفا نمود. او همانند پدرش رشیدالدین در کار آبادی شهرها همت گماشت و ربع رشیدی را مرمت نمود (رجب زاده، ۱۳۷۷: ۱۵۳، ۱۴۵).

تجارت و رونق حیات شهری

در سده هفتم هجری بر اثر حمله مغولان و مسائل پس از آن، امنیت و آسایش در مناطق مختلف قلمرو ایلخانان دچار اختلال شد، و دسته‌های دزد و راهزن برای مردم مشکل ایجاد می‌کردند که باید برای رفع این مشکل چاره اندیشی می‌شد. مقابله با دزدان و راهزنان و ایجاد امنیت در راه‌ها، از دو جهت در پیشرفت و رونق حیات شهری تأثیر داشت؛ یکی آن که ایجاد امنیت در راه‌ها گامی مهم در جهت رفاه عمومی و جلب قلوب مردم بود که در اثر عدالت به وجود می‌آمد و فاصله بین مردم و حکومت ایلخانان را کاهش می‌داد. از طرف دیگر با ایجاد امنیت، رفت و آمد کاروان‌های تجاری و مسافران راحت تر انجام می‌شد و فعالیت‌های اقتصادی رونق می‌گرفت. خواجه رشید به تمام والیان توصیه می‌کرد تا جماعت متمردان را که در کوه‌ها و قلعه‌ها پناه گرفته بودند سرکوب کرده و به راه آورند (همان: مکتوب ۲۱: ۲۰-۲۲، ۸۷، ۱۲۳؛ عقیلی، ۱۳۶۴: ۲۱۹). رشیدالدین برای توفیق بیشتر در ایجاد امنیت دستور می‌داد تا در نواحی مختلف، دارالمسافرین، رباط و کاروان سراهایی محکم با امکانات رفاهی چون چاه‌های آب و دیگر امکانات ضروری ساخته شود (همان: ۸۸، ۲۲). اقتصاد عصر ایلخانی و تجارت به عنوان بخشی از اقتصاد شهری به طور خاص از ساخت سیاسی حاکم تأثیر پذیر بود. تلاش ایلخانان این بود تا سرحد امکان جهت گیری‌های تجاری خود را فارغ از ملاحظات محض سیاسی تنظیم نمایند حتی بخشی از تلاش‌های سیاسی و نظامی آن‌ها در راستای امور تجاری انجام می‌گرفت و به طور مشخص اهداف اقتصادی نداشت (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۲۵). فعالیت‌های تجاری در این دوره تا حد زیادی تحت الشعاع امنیت و ثبات سیاسی بود و حرکت‌ها و شورش‌های مختلف از جمله شورش امیر نوروز در خراسان قطعاً بر تجارت داخلی تأثیر می‌گذاشت اما میزان تأثیر گذاری به حدی نبود تا فعالیت‌های تجاری در این دوره را مختل نماید. در عهد مسلمانی ایلخانان با پایان یافتن هرج و مرج و درگیری‌ها و تثبیت حکومت، تجارت رونق زیادی گرفت (همان: ۲۲۹-۲۲۸). گرفتن مالیات‌های تجاری به وسیله منصب تمغاچی برقرار شده که از شرح رشیدالدین فضل الله در واقعه ساخت غازانیه و کشیدن حصار به دور تبریز استنباط می‌شود (رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۵۳-۱۰۵۲). تلاش در زمینه جاده سازی و حفظ و حراست از جاده‌ها که کمتر مورد توجه ایلخانان قبلی بود نیز اقدام مشخصی در خدمت تجارت بود (اشپولر، ۱۳۸۴: ۴۲۵).

رونق تجارت دریایی ایران و نقش جزایر خلیج فارس که قبل از زمان غازان نیز پر رونق بودند هم چنان ادامه داشت و بازرگانان متنفدی هم چون ملک الاسلام جمال الدین ابراهیم طیبی به لحاظ برخورداری از ثروت و مکتت فراوانی که از تجارت خلیج فارس کسب کرده بود هم چنان در اوج اقتدار و نفوذ بود. همین شخص که در زمان غازان نیز بر و بحر فارس را برای ده سال به مقاطعه گرفته بود در یک نوبت که به خدمت غازان رسیده، هزار اسب اخته، مرواریدهای خوشاب، جامه‌های زربفت و حریر و جواهر گرانبهای و انواع ظرف‌های زر و نقره و متاع گرانبهایی که از اقصای چین و هند آورده بودند به غازان تقدیم کرد (وصاف، ۱۳۳۸: ۳۳۱). این فعالیت‌ها مناسبات تجاری ایران، چین و هند را در این زمان نشان می‌دهد. از آن جا که رشیدالدین فضل الله در یکی از مکتوبات خود از به کار انداختن دویست و پنجاه تومان از اموال خود در کار تجارت و سپردن آن به تجار امین سخن می‌گوید (رشیدالدین،

۱۹۴۵، مکتوب ۳۶: ۲۳۸-۲۳۷). می‌توان حدس زد که این افراد بعضاً موقعیت سیاسی برجسته‌ای نیز داشتند که از راه تجارت و به ویژه مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های تجاری، ثروت فراوان به دست آورده‌اند. بیشتر سفر تجاری عهد ایلخانان به هند از طریق دریا صورت می‌گرفت. شواهد تاریخی تیز رونق این مسیر را تأیید می‌کند. رشیدالدین فضل‌الله نیز در سفر خود به هند از طریق راه تجاری کرمان به قهستان به حاشیه شمال شرقی دریای عمان در نزدیکی چابهار کنونی بندر تجاری تیز در مکران آمده و از همین مسیر تجاری به هند مسافرت نمود (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۸۴). رشیدالدین فضل‌الله در شرح ساخت‌های غزانیه و ابواب البر آن از رفت و آمد تجار اروپایی یاد کرده و به طور صریح می‌نویسد که «... فرمود تجاری که از روم و افرنج رسند بار آن جا گشایند» (رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹۹۶). فعالیت ارتاقان در ادوار بعد هم چنان استمرار داشت تا آن جا که بناکتی به هنگام سخن گفتن از اوضاع فارس متذکر می‌شود که «... ملکی شیراز ارتاقان و بازرگانان می‌کنند...» (بناکتی، ۱۳۷۸: ۴۰۹). جاده‌سازی و تعمیر راه‌های مواصلاتی در زمان ابوسعید از جمله اقداماتی بود که جهت مناسبات گسترده تجاری با مملوکان و مصالحه با آنان صورت گرفت. ساخت پل تاج‌الدین علیشاه بر روی رود اهر و حصار شهر ارجیش در آسیای صغیر (لسترنج، ۱۳۷۷: ۱۸۲) و باروی سلماس نیز در جهت تأمین امنیت راه‌های تجاری مهم می‌نماید (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۳۳، ۱۵۴). رشیدالدین فضل‌الله متذکر می‌شود که در زمان غزغان بر در هر یک از دروازه‌های تبریز کاروانسرای بزرگ می‌ساختند و بازرگانانی که به تبریز می‌آمدند در یکی از همین کاروانسراها سکونت می‌گزیدند تا «تمغای قماشات ایشان ضبط کند» و سپس به شهر درآیند. تجاری هم که از تبریز می‌رفتند باید در یکی از همین کاروانسراها بیتوته می‌کردند تا «تمغای احتیاط بارها کند و از آن جا روانه گردند». این قوانین شامل حال تمامی بازرگانان و از آن‌هایی که «... از آناتولی و افرنج رسند» بوده است (رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹۹۶). بازرگانان علاوه بر اصل و فرع تمغای عوارض دیگری مثل حق راهداری و کاروانسالاری می‌پرداختند (نخجوانی، ۱۹۷۶، ج ۲: ۱۷۲-۱۶۵). رشیدالدین نیز در مکتوبی به فرزند خود خواجه جلال‌الدین حاکم روم توصیه نموده که: «... و رباطات که قدما ساخته‌اند و روی به خرابی نهاده به حال عمارت آوری» و در ادامه از وی می‌خواهد که از مال خود در جهت تجارت و بازرگانی در مرزهای روم بکوشد و در راه‌های ناامن به ساخت کاروانسراهای محکم و صنایع و انبارها همت گمارد. بنابراین به نظر می‌رسد که هماهنگی همه‌جانبه بین همه عواملی که در ساختار اداری و سیاسی مشغول بودند برای رونق تجاری در داخل و خارج از مرزهای کشور ضروری می‌نمود و نقش وزیر به عنوان عامل اجرایی مهم تر بود (رشیدالدین، ۱۹۴۵، مکتوب ۲۱: ۸۸). در همین مکتوب از وی می‌خواهد تا امنیت راهها را چنان برقرار سازد تا مسافران و تاجران بدون بدرقه نیروی نظامی، دادن رشوه و تاراج به تجارت بپردازند (همان: ۸۷). در مورد مالیات تمغا نیز رشیدالدین در نامه‌ای به صدرالدین محمد ترکه از اصلاحات صورت گرفته توسط خادم خود خواجه علی فیروزانی که مردی کاردان و عادل بود خبر می‌دهد تا قانون تجارت در اصفهان را که توسط بیتکچیان ظالم اعمال شده بود تغییر داده و از دفترها بشویند و تمغای برخی از تولیدات شهری از جمله چوب، صابون، فواکه و اقمشه حذف گردد و میزان تمغای برخی حرف نیز از ده درصد به پنج درصد کاهش یابد و این قانون را در سراسر کشور اعمال نمایند (همان، مکتوب ۱۳: ۳۴-۳۳). در عهد غزغان تحت تأثیر اصلاحات گسترده و رونق تجاری و اقتصادی این عهد که به نظر می‌رسد با مشاوره وزراء صورت می‌گرفت بازار نقش مؤثرتری به خود گرفت. اهمیت و میزان

تأثیر گذاری بازار در سیما و ساختار شهری این دوره بارزتر شد و اقدامات غازان به همراه مسلمانی مغول‌ها بار دیگر فضا و ساختار بازار را به دوران قبل از مغول باز گردانید. به جای شحنة بازار، محتسب نشست و فساد و تباهی حاکم بر بازار نقش کمرنگ تری به خود گرفت (رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۶۰-۱۰۵۹). در این زمان تشکیلات بازار بسیار فعال بود و محتشمین، اربابان و کدخدایان بازار در جهت همکاری با مناصبی از جمله ارباب بازار و کدخدای بازار که می‌بایست با مقامات حکومتی همچون امیر عسس (ناظر شبانه بازار) همکاری کنند به وجود آمد (نخجوانی، ۱۹۷۶، ج ۲: ۱۵۷). فعالیت‌های اقتصادی بازار نظم و ثبات نسبی به خود گرفت و از بی رسمی‌های موجود در بازار جلوگیری به عمل آمد (رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۵۷-۱۰۵۴، ۱۰۸۴-۱۰۷۷).

در همین عهد دو شهرک غازانیه و رشیدیه (ربع رشیدی) دارای بازارهای مختلف و با امکانات کافی بودند. در این شهرک‌ها بازارها، کارخانه‌ها و کاروانسراهای متعددی ساخته شده بود و شاغلان هر حرفه در محله مخصوص به خود می‌زیستند (همان: ۹۹۶؛ رشیدالدین، مکتوب ۵۱: ۳۲۱-۳۱۸). در یزد نیز بازارهایی ساخته شد که کهن‌ترین آن‌ها بازار کاغذیان به همراه کاروانسرای بزرگ در کنار آن بود. در زمان الجایتو و ابوسعید نیز پویایی بازار حفظ شد (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۴۳). تنها در ربع رشیدی بیست و چهار کاروانسرا، هزار و پانصد دکان، حمام‌های بسیار برای مسافران، کارخانه‌های شعربافی، کاغذ سازی، رنگرز خانه و دارالضرب و غیره به دستور وزیر غازان، رشیدالدین ساخته شد (همان: ۳۱۸).

بخش قابل توجهی از نیازمندی‌های دستگاه ایلخانی به وسیله کارگاه‌های سلطنتی که تحت نظارت کارگزاران حکومتی قرار داشتند تولید می‌شد. رشیدالدین با بنای ربع رشیدی و ایجاد کارخانه‌های شعربافی، صوف بافی، سکونت صنعتگران و پارچه بافان در محلات مشخصی از شهرک رشیدیه توجه زیادی به این صنعت داشت که انواع متعددی از پارچه‌های تولیدی این عصر را بر شمرده است. کمخا، اطلس، مویینه، برد، بندقی، عتابیه، کتان، ارمک، برک، سقرلاط، صوف، قطیفه، ایبازیه الوان، مصریه، شمسیه، عین البقر، صابوریه، ذبیقیه، قدک، متقالیه، مخمل الوان و کرباس برخی از این نمونه‌هاست (همان: مکتوب ۵۱: ۳۲۱-۳۱۸؛ مکتوب ۳۳: ۱۹۳-۱۸۵). رشیدالدین فضل الله از رونق صنعت اسلحه و کاهش قیمت انواع اسلحه سخن گفته و سهم اقدامات غازان را در این زمینه مهم می‌شمارد (رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۹۶-۱۰۹۴). در یکی از مکتوبات رشیدالدین به فرزندش خواجه ابراهیم حاکم شیراز برخی از سلاح‌ها و وسایل نظامی مورد تقاضای وی که در این شهر ساخته می‌شدند.

به این صورت آمده است. شمشیر (۱۰۰۰ عدد)، خنجر (۱۰۰۰ عدد)، دیوس (۱۰۰۰ عدد)، کلرمیه (۵۰۰ عدد)، سکین (۵۰۰ عدد)، قوس (۵۰۰ عدد)، خدنگ (۵۰۰ عدد)، قصب هندی (۶۰۰ عدد)، رماح (۱۳۰۰ عدد)، خیزران (۱۰۰ عدد) (رشیدالدین، ۱۹۴۵: مکتوب ۵۲: ۳۲۷). در این زمان تولید انواع روغن‌ها معمول بوده و رشیدالدین در یک مورد از چهل نوع روغن که برای مصرف در دار الشفای ربع رشیدی تقاضا کرده است سخن می‌گوید (همان: مکتوب ۱۸: ۵۳-۵۶). هم چنین وی از شناخت معادن و استخراج آن‌ها در زمان غازان سخن رانده و از گداختن فلزات و ترتیب آلات و ادوات فلزی یاد می‌کند. همین طور رواج صنایع ریخته‌گری، آهن‌گری و زرگری را یادآوری می‌کند (رشیدالدین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹۷۱-۹۷۲).

نظر به صلح و آرامش نسبی که بر سیاست خارجی ایلخانان حاکم بود و همین طور روی آوردن گسترده تجار اروپایی به ایران، بازار کارکردهای خود را به نحو شاخص تری انجام می‌داد. سلطانیه پایتخت مغول‌ها بازارهای مجلل داشت و صرف نظر از ایلخانان، وزراء و بزرگان حکومتی نیز در ساخت بازار و کارخانه‌های آن مشارکت جدی داشتند. تاج الدین علیشاه وزیر که از شغل دلالی بازار به مرتبه صدارت رسیده بود بازاری به غایت عالی در این شهر ساخت و کارخانه ای موسوم به فردوس بنا نهاد که سخت توجه ایلخان را به خود جلب کرد (القاشانی، ۱۳۸۴: ۱۲۲، ۱۲۱، ۴۷). تاریخ الجایتو تعداد دکان‌های معمور در سلطانیه را بیش از ده هزار باب آورده است. در این زمان به خصوص کارخانه‌های پارچه بافی سلطانیه و بغداد که به عنوان فردوس مشهور بودند رونق زیادی داشتند. نقش محرز تاج الدین علیشاه در بنای کارخانه‌های پارچه بافی سلطانیه و بغداد که در زمان حافظ ابرو به بازار بزازان معروف بود در ذیل جامع التواریخ رشیدی نیز آمده است (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۴۴-۴۳). در زمان ابوسعید هم کارخانه‌های اخیر رونق داشته و سرپرستی آن بر عهده تاج الدین علیشاه بوده است (وصاف، ۱۳۳۸: ۶۲۰). در کارخانه‌های صوف بافی رشیدیه (ربع رشیدی) نیز ۵۰ صوف باف از انطاکیه و ۲۰ هزار نفر از قبرس روانه دارالسلطنه تبریز شدند تا در آن جا به کار گمارده شوند (رشیدالدین، ۱۹۴۵، مکتوب ۵۱: ۳۲۱-۳۲۰). در زمان الجایتو تحت تأثیر صلح حاکم، از فعالیت‌های کارخانه‌های اسلحه سازی به نفع کارخانه‌های پارچه بافی کاسته شد و پارچه‌های تولیدی سهم مهمی در فعالیت‌های تجاری داشتند (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۶۹). این کارخانه‌ها سهم عمده ای در تداوم و پویایی فعالیت‌های صنعتی داشته و حمایت شدید حکومت از آن‌ها در این جهت تأثیر مضاعفی داشته است. در کارخانه‌های اخیر صنعتگرانی از سراسر قلمرو ایلخانان و بلاد خارجی فعالیت داشتند و همین امر فرصت خوبی در جهت تحول صنعتی و هنری قلمداد می‌شد.

نتیجه گیری

تلاش‌های دولتمردان ایرانی در جهت مهار رفتارهای غیر مدنی مغول و تعدیل گرایش‌های گریز از مرکز ایشان در سیاست و اقتصاد، تلاش‌هایی که از اندک زمانی پس از ایلغار مغول آغاز شد؛ پس از پذیرش اسلام توسط غازان، ماهیت منظم تری به خود گرفت. در این عصر، ایرانیان دیوانسالار به رهبری رشیدالدین فضل الله و با بهره گیری از نظام شهریاری و الگوی ایرانشهری، راهبردکارآمدی را در مواجهه با تحولات تاریخی، رقم زدند که بهترین نمونه‌های آن در اصلاحات غازانی قابل پیگیری است. با مسلمانی ایلخانان، موجبات استقلال سیاسی ایران در مقابل دستگاه قآانی فراهم آمد و این مهم در کنار زوال خلافت عباسی در نیمه قرن هفتم، زمینه را برای تحکیم مناسبات جامعه و حکومت در بستر نظام شهریاری ایرانی هموار نمود. در این چارچوب، وزیران ایرانی در عهد مسلمانی با تشویق ایلخانان مغول و تغییر نگرش آنها نسبت به شهر و مردم شهرنشین به بازآفرینی هویت و فرهنگ ایرانی در قالب معماری و شهرسازی پرداختند. بدین ترتیب هماهنگی و همکاری بین وزیران ایرانی و ایلخانان مغول در جهت تثبیت حاکمیت، و تأمین منافع و مصالح جامعه، موجبات رقم خوردن اصلاحاتی را فراهم آورد که اهتمام به عمران و آبادی و رونق شهر و شهرسازی از جمله نمودهای بارز آن بود.

منابع

ابن بطوطه، محمدبن عبدالله (۱۳۷۶ش)، سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، چاپ ششم، انتشارات آگه، تهران.

- اشپولر، برتولد (۱۳۸۴)، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، چاپ ششم، علمی و فرهنگی، تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۵۰)، رشیدالدین فضل الله و یزد(در مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل الله همدانی)، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- اللهیاری، فریدون، (۱۳۸۲)، بازنمایی مفهوم ایران در جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله همدانی، فصلنامه مطالعات ملی، بهار، شماره ۱۵.
- بناکتی، ابوسلیمان داود بن محمد(۱۳۷۸)، *روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب(تاریخ بناکتی)*، به کوشش جعفر شعار، چاپ دوم، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- بحرانی، مرتضی (۱۳۸۵)، تقلیل عدالت به امنیت در اندیشه ایرانشهری، فصلنامه علوم سیاسی، بهار، شماره ۳۳.
- پطروشفسکی، ای، پ (۱۳۴۴)، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، ج ۱، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.
- _____ (۱۳۴۴)، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، ج ۲، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.
- _____ (۱۳۷۱) «مقاله اوضاع اجتماعی-اقتصادی ایران در دوره ایلخانان»: در تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده بویل، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، امیرکبیر، تهران.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن(۱۳۸۴ش)، *تاریخ یزد*، به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- حافظ ابرو، نورالله عبدالله بن لطف الله(۱۳۵۰ش)، *ذیل جامع التواریخ رشیدی*، به اهتمام خانابا بیانی، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی (۱۳۸۰ش)، *تاریخ حبیب السیر*، ج ۳، چ چهارم، کتابخانه خیام، تهران.
- _____ (۲۵۳۵ش)، *دستورالوزراء، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی*، چاپ دوم، انتشارات اقبال، تهرانمی و فرهنگی، تهران..
- رجب زاده، هاشم(۱۳۷۷)، *خواجه رشیدالدین فضل الله*، چاپ اول، طرح نو، تهران.
- رشیدالدین فضل الله همدانی، (۱۳۵۶)، *وقف نامه ربع رشیدی*، به کوشش مجتبی مینوی - ایرج افشار- عبدالعلی کارنگ، انجمن آثار ملی، تهران.
- _____ (۱۳۶۲)، *جامع التواریخ، تصحیح بهمن کریمی*، ج ۱، چاپ دوم، اقبال، تهران.
- _____ (۱۳۶۲)، *جامع التواریخ، تصحیح بهمن کریمی*، ج ۲، چاپ دوم، اقبال، تهران.
- _____ (۱۹۴۵)، *مکاتبات رشیدی*، گردآوری محمد بن ابرقویی، به اهتمام محمد شفیع، کلیله پنجاب.
- رضوی، سید ابوالفضل(۱۳۸۸)، *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*، چاپ اول، امیرکبیر، تهران.
- ساندرز، ج. ج (۱۳۶۳)، *تاریخ فتوحات مغول*، ترجمه ابوالقاسم حالت، چ چهارم، امیرکبیر، تهران.
- عقیلی، سیف الدین حاجی بن نظام(۱۳۶۴)، *آثارالوزراء، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی*، چاپ دوم، اطلاعات، تهران.
- القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد(۱۳۸۴)، *تاریخ اولجایتو*، چ دوم، علمی و فرهنگی، تهران.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۸۶ش)، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- کسائی، نورالله(۱۳۷۹ش)، *سرگذشت دانشمندان و مراکز دانش در حمله مغول*، مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی مغول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج ۱، تهران.

گروسه، رنه (۱۳۷۹)، امپراطوری صحراگردان، ترجمه عبدالحسین میکده، چاپ چهارم، علمی و فرهنگی، تهران.
لمبتون، ا.ک.س (۱۳۷۷)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، چاپ چهارم، علمی و فرهنگی، تهران.
لسترنج، گی (۱۳۷۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چ سوم، علمی و فرهنگی، تهران.
مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱)، نزه القلوب، تصحیح محمد دبیر سیاقی، چاپ اول، حدیث امروز، تهران.
نخجوانی، محمد بن هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی (۱۹۷۶م)، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، به سعی و اهتمام
و تصحیح عبدالکریم اوغلی زاده، ج ۲، اداره انتشارات دانش، مسکو.
ولادیمیرتسف (۱۳۶۵)، نظام اجتماعی مغول، ترجمه شیرین بیانی، چاپ دوم، علمی و فرهنگی، تهران.
وصاف الحضرة، فضل الله بن عبدالله (۱۳۳۸ش)، تاریخ وصاف الحضرة، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، کتابخانه ابن سینا
و کتابخانه جعفری تبریز، تهران
_____ (۱۳۸۳ش)، تحریر تاریخ وصاف، به قلم عبدالمحمد آیتی، ج ۱، چاپ سوم، پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی، تهران.

